

شرایط اجتماعی و فرهنگی شیعیان در هند امروز

داود کمیجانی*

دکترای مطالعات اسلامی با گرایش تاریخ فرق اسلامی، دانشگاه جامیا همدرد دهلی نو

سید محمد میر حسینی

استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

چکیده

شیعیان هند^۱ یکی از بزرگ‌ترین جوامع شیعی در جهان هستند. حضور آنان در هندوستان بیش از ۱۳ قرن قدمت دارد. هر چند آنها همیشه به عنوان یک اقلیت مذهبی در هند محسوب می‌شدند، اما دورانی را در اقتدار و شکوفایی فرهنگی تجربه کرده‌اند. وقایع دو قرن اخیر، یعنی استعمار انگلیس (۱۹۴۷-۱۸۰۰م)، از بین رفتن حکومت‌های محلی شیعی، جدایی بخش اعظمی از مناطق مسلمان نشین هند در سال ۱۹۴۷ میلادی (پیدایش پاکستان)، سیاست‌های دولت لائیک مرکزی، و ...، شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم را به ضرر ایشان تغییر داده و آنان را به انزوا کشانده است. البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب شیعی، ضمن تقویت روحیه جمعی آنان، شیعیان هند را به پویایی بیشتر ترغیب نموده است، اما عرصه‌های فعالیت آنان در هند محدود می‌باشند. از این رو شناخت شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نسل جدید شیعیان هند و چالش‌های فراروی آنان، می‌تواند مسئله مهم و تأثیرگذار در روابط فرهنگی جامعه جهانی شیعیان از جمله ایرانیان با آنان باشد. لذا پاسخ به سؤالاتی از قبیل: گستره و فراوانی جمعیتی شیعیان در هند چگونه است؟ جامعه شیعیان هند هم اینک در چه شرایطی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسر می‌برند؟ شیعیان کنونی هند از چه ساختارهای مذهبی و فرهنگی برخوردار هستند؟ نقش مهمی در برقراری تعاملات صحیح فرهنگی با آنان ایفا می‌کند، روابطی که زمینه ساز بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه ایشان در جهت اعتلای مکتب اسلامی اهل بیت(ع) در جهان خواهد بود. این مقاله تلاش دارد تا با پاسخ به سؤالات فوق، گزارش مختصری را از وضع اجتماعی و فرهنگی شیعیان در هندوستان امروز ارائه دهد.

واژگان کلیدی: هند، اسلام، تشیع، حکومت‌های شیعی هند، مظاهر فرهنگی شیعه در هند.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

مقدمه

در سال ۹۲ هجری در پی لشکر کشی «محمد بن قاسم» (سردار اموی)، مسلمانان برای اولین بار به منطقه «سند» وارد شدند (ابن اثیر، ج ۴: ۵۳۷) و در طی حکومت سه ساله وی، به تدریج گروهی از مسلمانان در آنجا سکنی گزیدند و آبادی‌های مسلمان‌نشین متعددی در آن مناطق به وجود آوردند. تنها غریب به چهار هزار تن از مسلمانان مهاجر در شهر «دیبیل» (بندری نزدیک کراچی کنونی) سکونت یافته و حتی مسجد جامعی در آنجا برای خویش ساختند (بلاذری، ۱۴۰۷: ۶۱۳-۶۱۴)، در این بین گروهی از محبان اهل بیت (ع) که، یا از فشار حکومت اموی به شرق گریخته بودند و یا در بین سپاهیان مسلمان بودند، به تدریج در منطقه‌ی سند و سپس به شبه قاره‌ی هند راه یافته در آنجا ساکن شدند. برخی از ایشان به مرور و در پی مرادده‌های خود با برخی صاحب منصبان و بزرگان بومی سرزمین سند، حب اهل بیت (ع) را به ایشان انتقال دادند.^۲ و با برخورداری از حمایت آنان به تبلیغ باورهای خویش پرداختند. (ابن اثیر، ج ۵: ۲۲۰) بدین صورت اولین جوامع شیعی در شبه قاره هند پدید آمد.

شیعیان به مرور در هند تأثیرگذار شدند تا اینکه از قرن دهم هجری (۱۶م) به بعد دولت‌های مقتدری در بخش‌های مختلفی در شبه قاره هند تشکیل دادند که از مهمترین آنها می‌توان به حکومت‌های «قطب شاهیان» (۱۰۹۸-۹۱۸ ق) در منطقه «گلکنده دکن» و «حیدر آباد»، «عادل شاهیان» (۱۰۹۷-۹۰۴ ق) در منطقه «بیجاپور»، «نظام شاهیان» (۱۰۱۶-۹۴۴ ق) در «احمدنگر» و شاهان نیشابوری «اوده» به مرکزیت «لکنهو» اشاره نمود که تا ۱۲۷۴ هجری به مذهب اثنی‌عشری حکم می‌راند. (فرشته، ۱۹۸۶م، ج ۲: ۱۶۷-۱۷۴) علاوه بر این (از قرن دهم به بعد) حکومت‌های شیعی محلی متعددی نیز در مناطق مسلمان‌نشین شبه قاره‌ی هند، مانند «بنگاله»، «بهار»، «گجرات»، «برار» و «پنجاب»، شکل گرفت که همگی در ترویج اسلام و تشیع، کوشش‌های مؤثری داشتند. از معروف‌ترین آنها، می‌توان از حکومت‌های «میسور»، «تاراپور و میرپور»، «بنگال و بهار»، «آریسه» و حکومت شبه شیعی «ترجنانلی» و «وارکات»، نام برد. (مظفر، ۱۳۷۵: ۳۲۶-۳۲۸) اما در قرن ۱۸ میلادی با آغاز فعالیت بازرگانی شرکت انگلیسی «هند شرقی» که به تسلط استعمار انگلیس بر هند منجر شد، بسیاری از حکومت‌های منطقه‌ای و محلی مسلمانان رو به افول نهاده و به مرور از بین رفتند.

در پی مقاومت‌های شدید مسلمانان مخصوصاً شیعیان، آنان مورد غضب استعمارگران قرار گرفتند و انگلیسی‌ها در پی تسلط طولانی بر هند، با اختلاف‌انگیزی بین هندوها و مسلمانان و سپس بین اهل سنت و شیعیان، ضمن ایجاد گسست اجتماعی فراگیر در جامعه‌ی هند، درگیری‌های فرقه‌ای را گسترش داده و ساختار اجتماعی هند را به ضرر مسلمانان و به نفع هندوها بر هم زدند. (مظفر، ۱۳۷۵: ۳۲۶-۳۲۸) در سال ۱۹۴۷ میلادی پس از جدا شدن جامعه‌ی مسلمانان از هند و تشکیل دو کشور پاکستان غربی و شرقی، مسلمانان و در بین آنان شیعیان هند در اقلیت کامل قرار گرفته و از جایگاه اجتماعی خویش تنزل یافتند. با این وجود هم

اینک نیز، شیعیان هند یکی از بزرگ‌ترین جوامع شیعی در جهان محسوب می‌شوند و حتی وقایع دو قرن اخیر و سیاست‌های دولت لائیک مرکزی، نیز نتوانسته آنان را از هویت مذهبی خویش دور سازد اما در کل شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم، به ضرر ایشان تغییر یافته است و آنان را به نوعی در انزوای اجتماعی - سیاسی قرار داده است.

البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب شیعی، ضمن تقویت روحیه‌ی جمعی ایشان، آنان را به پویایی بیشتر ترغیب کرده است، اما عرصه‌های فعالیت ایشان در هند محدود است. از این رو شناخت شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نسل جدید شیعیان هند و چالش‌های فراروی آنان، می‌تواند مسئله‌ی مهم و تأثیرگذار در روابط فرهنگی جامعه‌ی جهانی شیعیان از جمله ایرانیان با آنان باشد.

حال این سؤال مطرح است که «گستره و فراوانی جمعیتی شیعیان در هند امروز چگونه است؟ و جامعه‌ی شیعیان هند هم اینک در چه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسر می‌برند و از چه ساختارهای مذهبی و فرهنگی برخوردار هستند؟»

پیشینه‌ی تحقیق

البته با توجه به قدمت و اهمیت جامعه‌ی بزرگ شیعیان در هند، هر تحقیقی که در خصوص اسلام در این شبه قاره نگاشته شده، به شیعیان نیز پرداخته است، بدین سبب در اکثر این تحقیقات، شیعیان هند بصورت ضمنی در نظر گرفته شده‌اند. مانند کتاب «بهارتی ثقافت پر اسلام کے اثر و رسوخ»، «تأثیر اسلام در فرهنگ هند» نوشته «تارا چند» و کتاب: "Studies in Islamic Culture in the Indian Environment (1964)", «مطالعه‌ای در فرهنگ اسلامی در هند» نوشته‌ی «عزیز احمد»، اشاره کرد. البته در سال‌های اخیر چند تحقیق مستقل نیز در خصوص آنان صورت گرفته است که از معروفترین آنها می‌توان از کتاب: A Socio-intellectual History of the Isnā Asharī Shī'ās in India (1986) تاریخ اجتماعی فکری شیعیان اثنی عشری در هند) نوشته‌ی آقای «عباس اطهر رضوی» و کتاب «تاریخ الشیعه»، (۱۹۸۷م) آقای «محمدحسین مظفر» (به زبان عربی) و کتاب «هندوستان مین شیعیت کی تاریخ»، آقای محمد باقر شمس (به زبان اردو)؛ نام برد. اما این تحقیقات نیز عمدتاً به تاریخ، پیشینه‌ی فرهنگی و اعتقادات آنها پرداخته است و کمتر به شرایط موجود آنان توجه کرده است و عمدتاً از ترسیم سیمای کلی جامعه‌ی شیعی هند ناتوان بوده یا تغافل نموده‌اند. البته باید پذیرفت که به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی هند، تهیه‌ی گزارشی مبسوط از موقعیت جامعه‌ی کنونی شیعیان در هند به سادگی میسر نیست و تحقیقات در این زمینه با محدودیت‌های جدی روبرو است. اما امکان‌پذیر است.

این مقاله با نگرشی متفاوت، تلاش دارد تا در جهت ترسیم سیمای کنونی جامعه‌ی شیعی هند، گزارش مختصر اما گویایی از وضع اجتماعی و فرهنگی آنان در هندوستان امروز ارائه دهد. روش تحقیق در این مقاله تلفیقی از روش میدانی - کتابخانه‌ای بوده و مطالب با تحلیل داده‌های

به دست آمده، تدوین شده است و یکی از نویسندگان علاوه بر بهره گیری از منابع مکتوب، با برخی از صاحب نظران هندی و ایرانی به مصاحبه پرداخته و خود نیز در زمان تحصیل و تردد در هند (۲۰۱۲-۲۰۰۲م)، به تفحص و مشاهده‌ی عینی موضوع، پرداخته است.

جمعیت کنونی جوامع شیعی در هندوستان

هند یکی از کشورهای پهناور جنوب آسیا است که با وسعت حدود ۳/۵ میلیون کیلومتر مربع، جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر را در خود جای داده است؛ بر اساس آمارگیری رسمی سال ۲۰۰۱ در هند، نسبت پیروان ادیان در جمعیت هند به قرار زیر است.

Distribution Of Population By Religion

توزیع جمعیت هند از لحاظ دینی

Religion	Number	%
All religious communities	1,028,610,328	100.0
Hindus	827,578,868	80.5
Muslims	138,188,240	13.4
Christians	24,080,016	2.3
Sikhs	19,215,730	1.9
Buddhists	7,955,207	0.8
Jains	4,225,053	0.4
Others	6,639,626	0.6
Religion not stated	727,588	0.1
Source : Religion, Census of India 2001 = http://censusindia.gov.in		

در این سرشماری مسلمانان ۱۳/۴٪ کل جمعیت هند بوده‌اند، اما با توجه به رشد جمعیت بالای مسلمانان هند نسبت به دیگر جوامع شبه قاره، برآورد می‌شود که این درصد در ۱۳ سال گذشته افزایش قابل توجهی یافته باشد.

هم اکنون جامعه‌ی مسلمانان هند از ده‌ها نژاد و فرقه تشکیل شده است که علی‌رغم هویت هندی و زبان‌های گوناگون، دارای اندیشه‌های اسلامی نسبتاً واحدی هستند. البته اکثریت مسلمانان شبه قاره‌ی هند و پاکستان را سنی‌های حنفی مذهب تشکیل می‌دهند. این مذهب از زمان غزنویان در هند پا گرفت (بیهقی، ۱۳۷۵: ۲۶۴ و خلیلی، ۱۹۶۸: ۵۵) و پس از آنها «علاءالدین خلجی» (متوفی ۷۱۶) به دلایل سیاسی و فقهی خاص،^۳ مذهب حنفی را در هند رسمیت بخشید؛ تیموریان گورکانی نیز بر همین سنت (حنفی مذهب) بودند. (علیزاده، ۱۳۹۰) هر چند برخی از ایشان (مانند امیر تیمور و اکبر) نسبت به شیعیان و اهل بیت و طرفداران آل علی (ع) اظهار دوستی می‌کردند. (شیبی، ۱۳۵۹: ۱۶۲-۱۹۰)

متأسفانه از جمعیت شیعیان در هند، آمار دقیقی در دست نیست و معمولاً آنان را در آمارگیری‌ها، در جمع دیگر مسلمانان محاسبه می‌کنند. با این وجود، علما و بزرگان شیعه اعتقاد دارند که از جمعیت حدود ۲۰۰ میلیون نفری مسلمانان هند، ۵۱٪ آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند.^۴ اما بر طبق برخی آمار غیر رسمی، حداقل جمعیت شیعیان هند بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. (P.Akhtar Mehdi, 2011, Delhi)

مراتب اجتماعی، فرق و قومیت‌های شیعی در هند

پس از پدید آمدن جوامع مسلمان در شبه قاره‌ی هند، همانند مراتب طبقاتی مرسوم در هندوستان، در جامعه‌ی ایشان نیز طبقاتی پدید آمد. در این طبقه بندی مسلمانان به طور کلی به دو گروه، طبقه بندی می شدند.

الف - «اشرف» (Ashraf) که مسلمانان اصیل محسوب می شدند. آنان در چهار رتبه قرار داشتند:

۱- «سید»ها (yedS)، ایشان از نسل پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) محسوب می شدند بدین لحاظ از احترام زیادی برخوردار بودند.

۲- «شیخ»ها (Sheikh)، آنان علما یا مبلغانی اسلامی بودند که تبارشان به اعراب یا ایرانیان مهاجر یا مهاجم می رسید.

۳- «مگاهال»ها (Megahal)، آنان نوادگان حاکم مسلمانان در هند بودند

۴- «پاتان»ها (Patan)، آنان اعقاب سپاهبانی بودند که از نواحی شمال غربی، یعنی افغانستان و ایران به شبه قاره آمده بودند.

ب- «اجلف» (Ajlaf)، آنان تازه مسلمانان هندی تبار بودند که به دین اسلام تشریف یافته و مسلمان شده اند؛

افراد در این طبقه بندی به ترتیب از بالا به پایین، دارای جایگاه اجتماعی پایین تر بوده اند و روابط اجتماعی آنان در جامعه‌ی اسلامی هند، قرن‌ها بر این مراتب اجتماعی سامان یافته بود اما امروزه در پی وقایع دو قرن گذشته و تخریب ساختارهای اجتماعی مسلمانان، این طبقه بندی مصادیق خود را از دست داده و تنها «سادات» (سلاله اهل بیت (ع) و «شیوخ» (علما) در روابط اجتماعی از نوعی جایگاه ارشدیت برخوردار می باشند. هرچند در مناطقی مانند کشمیر

و لکنهو هنوز اثراتی از این طبقه بندی اجتماعی وجود دارد. (S. Naghavi, 2011, Aligar) جامعه‌ی گسترده تشیع در شبه قاره‌ی هند از ده‌ها نژاد و فرقه تشکیل شده است که علیرغم تفاوت در نژاد و زبان، در ارادت به اهل بیت(ع) و اصل وصایت علی ابن ابیطالب(ع) بر پیامبر اکرم(ص)، اتفاق نظر دارند، اما در برخی اعتقادات اسلامی از نگرش واحدی برخوردار نیستند و گاهی تفاوت نگرش آنها با یکدیگر بیش از حد یک انشعاب درون فرقه‌ای می باشد.

شیعیان اثنی عشری: اکثریت شیعیان هند پیرو «مذهب جعفری» هستند. آنان بنا بر ساختار اعتقادی که «جعفر ابن محمد الصادق(ع)» (امام ششم شیعیان) تعلیم نموده است، بر امامت علی(ع) و یازده تن از نوادگان پیامبر(ص) اعتقاد دارند، بدین لحاظ به اثنی عشری معروف هستند. جمعیت و مظاهر ایشان در پهنه‌ی شبه قاره پراکنده است به گونه‌ای که در برخی موارد به غفلت، جامعه‌ی تشیع هند را به آنان منحصر می دانند. (P. Akhtar Mehdi, 2011, Delhi)

این گستردگی و ثبات اجتماعی برآیندی از حکومت‌های «آفاقیان» (فرشته، ۱۹۸۶، ج ۲، ۱۶۷-۱۷۴) و فعالیت‌های گسترده‌ی سلسله‌ی صفویه و مهاجرت متناوب و گسترده‌ی علما،

هنرمندان و صنعتگران شیعی اثنی عشری ایرانی در قرون ۹ الی ۱۱ هجری، از ایران به هند بوده است. (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۵) کثرت و نظم در مناسک مذهبی و گستردگی کنونی سازمان فقهی - تبلیغی آنان باعث شده تا جامعه‌ی اعتقادی آنان از نوعی اقتدار و ثبات هویت بیشتری نسبت به دیگر فرق شیعی برخوردار شوند. (مظفر، ۱۳۷۵: ۳۲۶-۳۲۸).

شیعیان اسماعیلی: در جامعه‌ی شیعیان هند، عده‌ی قابل توجهی نیز پیرو مذهب «اسماعیلی» می‌باشند.^۵ آنان گروهی از شیعیان هستند که پس از امام جعفر صادق (ع)، به جای «موسی بن جعفر»، قائل به امامت فرزند دیگر ایشان، «اسماعیل بن جعفر» هستند. امامت در این فرقه پیوسته و تا حال تداوم دارد. اولین حضور آنان در هند در قرن چهارم هجری بود، هنگامی که اولین داعیان (مبلغان) اسماعیلی از سوی حاکمان فاطمی مصر به هند گسیل شدند تا به تبلیغ آیین خود بپردازند. (مقدسی، ۱۹۰۶م: ۴۸۱-۴۸۵)، پیروان این فرقه از قرن چهارم تا اواخر قرن ششم، بر تمامی سرزمین سند، پنجاب و گجرات تسلط و نفوذ داشتند اما در نیمه‌ی قرن هفتم، توسط علاء الدین خلجی به شدت سرکوب شدند و تنها گروه‌هایی به صورت پراکنده از آنان باقی ماندند و برای خویش اجتماعاتی ایجاد کردند. (جوزجانی، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۴۶۱-۴۶۲) امروزه دو شاخه‌ی عمده‌ی اسماعیلیه‌ی «آقا خانی» و «بهره» در هند فعال هستند.

- «اسماعیلیه‌ی آقاخانی»: آنان پیرو مکتب «اسماعیلی نزاری» هستند؛ هم اکنون رهبر (امام) آنان «شاه کریم حسینی» (ت ۱۹۳۶م)، آقاخان چهارم می‌باشد که چهل و نهمین امام این سلسله است و در شهر لندن، مرکز این فرقه، مستقر می‌باشد. از جمعیت آنها در جهان آمار قابل اعتمادی در دست نیست اما هم اکنون در هند، از پیروان قابل توجهی برخوردار هستند چنانکه جمعیت آنها را بالغ بر شش میلیون نفر تخمین زده‌اند؛ جامعه آنها جدا از شیعیان اثنی عشری برای خود تشکیلات مذهبی و فرقه‌ای نسبتاً منظمی دارد، مخصوصاً تشکیلات مذهبی و اجتماعی آنان در بمبئی از وسعت و فعالیت قابل توجهی برخوردار است. (جعفری، ۱۳۹۱، بمبئی) متأسفانه بزرگان آقاخانیه با نوعی اباحه‌گری از پایبندی به شریعت (اعمال عبادی) دوری کرده‌اند و با گرایش به تصوف و برخی اعتقادات هندویی به نوعی التقاط، آلوده شده‌اند، از این رو، از زمینه‌های مناسبی برای سوء استفاده گروه‌های ضد اسلامی برخوردار هستند. (علیزاده، ۱۳۹۰)

- «اسماعیلیه بهره»: آنان پیرو مکتب «اسماعیلیه مستعلی» هستند که در قرن ششم هجری از مصر ابتدا به یمن و از آن جا به هند مهاجرت کردند. در سال ۱۵۳۸ پس از مرگ «داوود بن عجب شاه» (داعی بیست و ششم) بر سر جانشینی وی، بین «داوود برهان الدین» پسر قطب شاه در هند و «سلیمان ابن الحسن» در یمن اختلاف پدید آمد و هر دو خود را داعی مطلق خواندند. از آن پس اسماعیلی هند به «داوودی»‌ها مشهور شدند و با توجه به آن که داوودی‌ها بیشتر تاجر پیشه بوده‌اند، به «بهره» (تاجر) مشهور شدند.

در جامعه آنان نظم و نسق محکمی حاکم است که سبب فرمانبرداری کامل اعضا از پیشوای خود شده است. هر چند در طول دو قرن گذشته گروه‌هایی از آنان (عمدتاً به سبب اهداف تجاری و اقتصادی) از هند به سایر کشورهای دنیا مانند شرق آفریقا، خاور دور و اروپا، مهاجرت کرده‌اند اما مرکز اصلی آنان، کماکان در شهر بمبئی هند است. جمعیت آنها در کل جهان حدود ۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. مراکز آنها در هند به وسیله‌ی قانون اساسی که از سوی داعی مطلق تدوین شده، اداره می‌شود. هر مرکز، مجموعه‌ای متشکل از مسجد، مسافرخانه، مدرسه، کودکستان، سالن اجتماعات، بیمارستان و مانند آن است. این جامعه هم اکنون دارای مراکز عبادی به نام «جامعه السیفیه» و آکادمی عربی در «سورات» و «کراچی» است که به تبلیغ اعتقادات مذهبی، و تربیت مبلغان و معلمان بُوهرایی، اختصاص دارد. این مراکز به سبب سطح علمی خود شهرت جهانی کسب کرده‌اند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

- شیعیان خوجه: آنان اصالتاً هندی هستند (با چهره‌هایی تیره)، حدود سه قرن پیش توسط داعیان اسماعیلی به مرور از آئین هندو به مذهب شیعه اسماعیلیه گرویدند، اما حدود صد سال پیش، پس از اختلاف نظری که با امام وقت اسماعیلی یافتند، و در پی سفر بعضی از بزرگانشان به عتبات (کربلا و نجف) به تشیع اثنی‌عشری روی آوردند. انسجام اجتماعی و ساختار قوی فرقه‌ای آنها همراه با رونق تجاری و اقتصادی که از آن برخوردار هستند، سبب شده تا امروزه آنان به عنوان یکی از اقلیت‌های نیرومند شیعی در هند، بلکه در دنیا، محسوب شوند. مهاجرت‌های گسترده شیعیان اثنی‌عشری خوجه از هند به نقاط مختلف جهان مخصوصاً آفریقا، در گسترش تفکر شیعه‌ی امامیه در جهان بسیار موثر بوده است.^۶ حتی برخی، تشکیل دولت مسلمان نشین پاکستان را به آنان نسبت می‌دهند. (روغنی، ۱۳۸۸)

شیعیان ایرانی تبار

قرن‌ها بین ایرانیان و هندی‌ها روابط انسانی - اقتصادی گسترده‌ای وجود داشته است. در دوره اسلامی شرایط سیاسی جهان اسلام و جذابیت‌های شبه قاره‌ی هند، عاملی بود تا گروهی از شیعیان به تدریج، به ویژه از قرون ۹ تا ۱۱ هجری (۱۵-۱۷م)، از ایران به شبه قاره‌ی هند هجرت کنند و در نواحی مختلف آن سرزمین پراکنده شوند. آنان که غالباً از شیعیان و سادات کربلا، نجف، گیلان و سیستان بودند، به «آفاقیان» معروف شدند. آفاقیان توانستند به تدریج در دولت‌های مسلمان سلسله‌های "بهنشاهی"، "عادلشاهی"، "قطبشاهی" و "نظامشاهی" به قدرت رسیده و فرهنگ شیعی ایرانی را در هند جاری سازند. (فرشته، ۱۹۸۶، ج ۲: ۱۶۷-۱۷۴)

در دولت آنها زبان پارسی و نوعی فرهنگ هندی - ایرانی رواج داشت، فرهنگی که از دیرباز دارای گرایش‌های خاص شیعی بود. دولت صفویه (ح ۹۰۷-۱۱۳۵ق) که داعیه‌دار حکومت تشیع در ایران بود نیز با تکیه بر این همسانی فرهنگی، روابط مستحکمی با ایشان برقرار نموده و در جهت ترویج تشیع در هند از همه‌ی ابزارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی برای

تقویت اقتدار ایشان بهره جست. (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۴) البته هر چند هم اینک نمود برجسته‌ای از ایشان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هند به چشم نمی‌خورد اما هنوز در جای‌جای هند نوادگان و بازماندگان ایشان حضور دارند و اغلب به تبار ایرانی خویش مباهات می‌کنند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

در همین راستا در دو قرن گذشته و در پی برخی عوامل طبیعی و اجتماعی،^۷ گروهی از ایرانیان به مناطق ساحلی جنوب غربی هند هجرت کرده و در آن دیار ماندگار شدند. آنان به مرور هویت اجتماعی جدیدی یافته‌اند و تشکیلات اجتماعی ویژه‌ای برای خود برپا نمودند. از آن جمله می‌توان از شیرازیان و یزدی‌ها نام برد که بیش از یک قرن است که در مرکز بزرگ اقتصادی هند، یعنی شهر «بمبئی» پایتخت ایالت «ماهاراشترا»، سکنی یافته‌اند. آنان هر چند به مرور از فرهنگ هندی متأثر شده‌اند، اما برای حفظ هویت شیعی خویش تشکیلات مذهبی و مراکز عبادی متعددی بنا نموده‌اند که از آن جمله می‌توان از «مسجد ایرانیان» (مغول مسجد)، «حسینیه یزدی‌ها» (انجمن فتوت)، «حسینیه شوشتری‌ها» و ... نام برد. (نجفی، ۱۳۹۰، دهلی) این مراکز دارای موقوفات متعدد و قابل توجهی هستند که هر چند اغلب آنها معارضانی یافته‌اند اما همچنان توانایی تأمین هزینه‌های جاری این مراکز و مراسم مذهبی آنها را دارند. (نمازی، ۱۳۹۱، بمبئی)

تعداد قابل توجهی از اینگونه اجتماعات شیعی ایرانی‌تبار، در «پونا»، «حیدرآباد» و برخی شهرهای جنوب شبه قاره هند نیز حضور دارند که علاوه بر فعال بودن در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی هند، در عرصه‌ی مذهبی نیز فعالیت‌های چشمگیری دارند. (جعفری، ۱۳۹۱، بمبئی) برای مثال بخشی از شیعیان حیدرآباد، ایرانی‌هایی هستند که برای تجارت و یا تبلیغ دین به حیدرآباد مهاجرت کرده‌اند؛ آنان به تدریج از عصر صفوی تا ابتدای قرن بیستم میلادی در پی روابط اقتصادی و علمی گسترده‌ای که بین حکام شیعی حیدرآباد و ایرانیان وجود داشت به این دیار آمده و مستقر شدند. ایشان نیز برای حفظ هویت مذهبی خویش مراکز مذهبی به نام «دربار حسینی(ع)» تأسیس کرده‌اند که مرکزی برای برگزاری منظم مراسم مذهبی و نشر فرهنگی شیعی می‌باشد. (زرهانی، ۲۰۰۹م) اما مهجور شدن زبان فارسی و کم رونقی اردو و رونق زبان انگلیسی و هندی بین آنان، باعث پدید آمدن نوعی گسست فرهنگی در نسل‌های جدید ایشان شده است. هر چند شیعیان ایرانی‌تبار تا حدی از ضعف فرهنگی- اقتصادی عمومی شیعیان هند، دور هستند اما نسل کنونی آنها در عرصه‌ی هویت ملی- مذهبی خویش دچار چالش‌های جدی شده‌اند. (شیر محمد، ۱۳۹۱، بمبئی)

البته اخیراً با همکاری کنسولگری در حیدرآباد و بمبئی و خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بمبئی و همت برخی از بزرگان و متولیان مذهبی جامعه‌ی شیعیان ایرانی‌نژاد (یزدی و شیرازی) در شهر بمبئی و مناطق همجوار آن، فعالیت‌های مثبتی در جهت تقویت هویت و انسجام اجتماعی این جامعه، صورت گرفته است. (حسن خانی، ۱۳۹۱، بمبئی)

مناطق شیعه‌نشین در هندوستان امروز

پس از جدایی پاکستان از هندوستان و مهاجرت خواسته یا ناخواسته‌ی بسیاری از مسلمانان به پاکستان و بنگلادش، شیعیان در هند به عنوان یک اقلیت مذهبی زندگی می‌کنند. اما عرصه‌ی زندگی آنان در تمام سرزمین پهناور هند گسترده است. تقریباً هیچ شهری در هندوستان نیست که عده‌ای از شیعیان در آن زندگی نکنند. در عین حال شهرهایی نیز در هند وجود دارد که مختص شیعیان بوده و یا اکثریت اهالی آن را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ مانند «کارگیل» (کرگل) در شمالی‌ترین منطقه‌ی شبه قاره‌ی هند، که منطقه‌ای کاملاً شیعه‌نشین است، و همچنین شهر «لکنهو» مرکز ایالت «اوتارپرادش» که اکثریت ساکنان آن شیعه هستند، این شهر که پایتخت حکومت شیعی «اوده» سابق (ح ۱۷۲۲-۱۸۵۶م) بوده است، کانون اصلی فعالیت شیعیان امامیه (اثنی‌عشری) در هند قلمداد می‌شود. (خواجه پیری، ۱۳۶۷، دهلی) از دیگر مراکز مهم زندگی شیعیان هند می‌توان از «کشمیر»، «کلکتته»، «دهلی»، «احمدآباد»، «حیدرآباد» ایالت «دکن» (آندراپرادش)، «گجرات» و «بنگلور» نام برد؛ برای مثال از جمعیت ۴/۵ میلیون نفری ایالت «کشمیر»، حدود ۴ میلیون نفر مسلمان هستند که بیش از یک میلیون نفر آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند. (سالنامه‌ی رسمی هند ۲۰۰۱ م)

علاوه بر این، در شهرهایی مانند «جونپور»، «امروهه»، «پتنه»، «الله آباد»، «مظفر پور»، «پنجاب»، «بنارس»، «فیض‌آباد»، «سهارن پور»، «میرت»، «حسن آباد مونگیر»، «خیر پور سکند»، «بیکن بلی»، «سیال کوت»، «کوئته»، «بمبئی»، «حیدرآباد»، «کجهوه»، «نوکانون» و... شیعیان قابل توجهی ساکن هستند؛ در اکثر این شهرها مساجد، مراکز اسلامی شیعی و مدارس دینی (حوزه‌ی علمیه) متعددی وجود دارند؛ و در ایام خاص، مراسم مذهبی و شعائر شیعی به صورت منظم و با شکوه برگزار می‌گردد (مظفر، ۱۳۷۵: ۳۴۱)

اوضاع اقتصادی شیعیان

در قرون میانه‌ی هند، مسلمانان عمدتاً از شرایط اقتصادی خوبی برخوردار بوده‌اند. مخصوصاً در قرون ۱۰ تا ۱۲ هجری، اکثر جوامع شیعی در سایه حکومت‌های مقتدر خود، موقعیت اقتصادی مطلوبی داشتند. این رونق اقتصادی، هم در پایداری شیعیان به مذهب خویش و هم در گرایش مردم دیگر مذاهب به تشیع، مؤثر بوده است. این حقیقت از هزینه‌های هنگفتی که قرن‌ها توسط مردم برای ساخت و راهبری مراکز دینی و مراسم مذهبی صرف می‌شد کاملاً مشهود است. در آن دوران، شیعیان هند علاوه بر وقف نمودن املاک و مستقالات متعددی برای امور مذهبی خود، کمک‌های مالی چشمگیری نیز برای بازسازی عتبات عالیات داشته‌اند. (سوانحات سلاطین اوده: ۱۱۲-۱۱۴)

در گذشته شیعیان عمدتاً به شغل‌های آزاد و آبرومند مانند تجارت، تدریس، وکالت و طبابت تمایل داشتند لذا از درآمد نسبتاً خوبی برخوردار بودند. اما فشارهای سیاسی - اقتصادی دو قرن گذشته بر شیعیان که داعیه‌دار مبارزه با استعمار انگلیس بودند، سبب شده تا فرصت‌های

شغلی و اقتصادی برای آنان بسیار محدود گردد و فقر و بی‌سوادی بر زندگی آنان سایه اندازد. (نجفی، ۱۳۹۱)

البته برخی این شرایط را تا حدی، برآیندی از شرایط فرهنگی گذشته آنان می‌دانند. شیعیان در قرون گذشته در یک نظام پادشاهی، تحت حکومت شاهان شیعه ایالت‌های کوچک بودند. با انقراض این نظام شاهنشاهی، نظام فئودالی جایگزین آن شد که با اعمال قدرت استعمار انگلیس نتوانست ساختار اقتصادی مطلوبی بیابد، علاوه بر آن تقسیم مبلغی به عنوان «وثیقه» در میان شیعیان «اوده»، که تا نسل‌های بعد ادامه داشت لطمه‌ای بزرگ به انگیزه‌های اقتصادی آنان وارد کرد چون باعث تنبلی و بیکاری شیعیان شد و اینک با ریشه‌کن شدن نظام فئودالی، قطع مبلغ وثیقه‌ای که به آنان تعلق می‌گرفت، فقر بر ایشان حاکم شده است.

البته این بدان معنا نیست که هم‌اکنون در میان آنان، شخصیت‌های متمول و توانایی وجود ندارد، بلکه عده‌ای محدود از شیعیان توانسته‌اند به مدارج بالای اقتصادی و مالی دست یابند، چنانکه هم‌اکنون در بین تجار و بازرگانان هندی، شخصیت‌های شیعی وجود دارند که نقش مهمی در فرهنگ و سیاست و توسعه‌ی هند ایفا می‌کنند. اما در کل، موقعیت اقتصادی جامعه‌ی شیعی نسبت به گذشته در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارد. (P. Akhtar Mehdi, 2011, Delhi)

شیعیان در عرصه‌ی سیاست هند

پس از جدا شدن جامعه‌ی مسلمانان از هند در سال ۱۹۴۷ میلادی و تشکیل دو کشور پاکستان غربی و شرقی (بنگلادش)، دولت لائیک مرکزی (متمایل به هندو) برای حفظ حاکمیت سیاسی خود بر مناطق مسلمان‌نشین که اغلب خواستار جدایی از خاک هند بودند، سیاست تضعیف مسلمانان، بالاخص شیعیان را در پیش گرفت. (۷). (زرهانی، ۲۰۰۹م) از آنجا که امروزه مسلمانان در کشور هند، یک اقلیت مذهبی محسوب می‌شوند، شیعیان در بین آنان یک اقلیت در اقلیت می‌باشند که از نظر سیاسی جایگاه خاصی در هند ندارند، چنانکه در سال ۲۰۰۶ میلادی از مجموع ۴۲۶ مقام بلند پایه موجود در همه‌ی وزارتخانه‌های هند، تنها ۹ نفر مسلمان بوده‌اند. البته در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۰ میلادی، به صورت خاص یک نفر از شیعیان اسماعیلی هند به نام «بوالفاخر زین العابدین عبد الکلام» مقام تشریفاتی ریاست جمهوری کشور هند را در اختیار داشت اما رفتار و منش او اسلامی نبود. (نجفی، ۱۳۹۰، دهلی)

برخی از کارشناسان امور اجتماعی هند معتقدند که مسلمانان این کشور خود را در یک شرایط تبعیض‌آمیز می‌بینند، بدین معنا که معتقدند به دلایل سیاسی- مذهبی، دولت‌مردان هند با طرفندهای مختلفی عرصه را برای حضور آنان در جایگاه‌های سیاسی کشور بسیار محدود کرده‌اند و اگر برخی رهبران سیاسی هند به آنان توجهی نشان می‌دهند، به دلیل اهمیت رأی جامعه‌ی شیعیان در انتخابات عمومی هند می‌باشد. در واقع نقش شیعیان در موازنه‌ی موجود در قدرت، باعث سوء استفاده از آنان در جهت تأمین منافع شخصی احزاب شده است. لذا آنان انگیزه‌ی لازم را برای شرکت در عرصه‌های جدی سیاسی و اجتماعی از خود نشان نمی‌دهند.

در تعاملات سیاسی - اجتماعی نیز مسلمانان و هندوها از همدیگر دوری می‌کنند و این امر منجر به ظهور طبقه‌ای از سیاستمداران شده که به عنوان رابط میان جامعه‌ی مسلمان و مابقی جامعه‌ی هند عمل می‌کنند، بسیاری از مناسبات فی‌مابین آنها توسط این رابطین سیاسی رقم می‌خورد که آن هم تابع منافع سیاسی برخی احزاب است. (P.Akhtar Mehdi, 2011, Delhi)

در سال ۱۳۲۵ هجری (۱۹۰۷م) در شهر لکنهو گروهی از رهبران شیعیان هند در تلاش برای اظهار وجود و دفاع از آرمان‌های اجتماعی - مذهبی خود، انجمنی را با عنوان «کنفرانس سراسری شیعیان هند» تشکیل دادند که با وجود چالش‌های فرا روی خود، توانسته همچنان موجودیت خویش را حفظ نماید و تقریباً هر ساله گردهمایی برگزار می‌نماید. هر چند این انجمن ماهیتی سیاسی ندارد اما در موضع‌گیری‌های سیاسی معمولاً از حزب «کنگره» طرفداری می‌کند و بدین‌سان سعی می‌کند تا در عرصه‌ی سیاسی کشور هند تأثیرگذار باشد. (نجفی، ۱۳۹۰، دهلی)

در دهه‌های اخیر نیز در مناطق مختلف هند برخی گروه‌های شیعی محلی با به‌دست آوردن نوعی خودباوری به تأسیس تشکلات اجتماعی - مذهبی محلی همت گماشتند و با فعالیت نسبتاً موفق خود توانسته‌اند در عرصه سیاسی - اجتماعی هند جایی برای خود باز کرده، به نوعی بر اثر گذاری اجتماعی شیعیان در جامعه‌ی هند بیفزایند. از این بین می‌توان به «انجمن وظیفه‌ی سادات و مؤمنین»، در «امروهه» ایالت اترپردیش؛ «اتحاد المسلمین»، در لکنهو، به ریاست مولانا دکتر «سید کلب صادق»، «بنیاد ایمان»، در بمبئی، «شورای شیعیان هند»، در لکنهو، «امام زمانه میشن» در حیدرآباد دکن؛ «بنیاد امام حسن (ع)» در حیدرآباد دکن؛ «آل ایندیا» و «انجمن علما و واعظین»، اشاره نمود. در همین راستا برخی صاحب نظران سیاسی هند، موفقیت اخیر حزب اسلامی «جبهه‌ی دموکراتیک متحد مردم» در ایالت «آسام» را به عنوان روزنه‌ی امیدی برای نقش‌آفرینی مسلمانان شیعی دیگر ایالت‌ها، در عرصه‌ی سیاسی هند قلمداد کرده‌اند. (سایت انجمن حقوقی شیعیان هند)

وضعیت فرهنگ عمومی شیعیان هند

بی‌شک جامعه‌ی تشیع در هند، نقش تأثیرگذاری در عرصه‌ی فرهنگی این سرزمین داشته است، به گونه‌ای که بخشی از گنجینه‌های فرهنگی امروز هند، یادگارهایی از علماء، شاعران و هنرمندان بزرگ شیعی هند و ایران است. هم‌اکنون از دوران اقتدار فرهنگی تشیع در قرون ۱۲-۹ هجری، آثار فرهنگی متعددی از ادبیات نظم و نثر (عمدتاً فارسی) گرفته تا آثار هنری اعم از نقاشی، خوشنویسی، فلزکاری، معماری و حجاری باقی مانده است که هر یک شاهدی بر تعالی فرهنگ شیعیان در قرون گذشته هند است. (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

در آن دوران، علما و دولتمردان علم دوست حکومت‌های شیعی «پادشاهی اوده»، «قطب شاهیه»، «نظام شاهیه» و «عادل شاهیه»، به ساختار فرهنگی جامعه‌ی خود اهمیت زیادی می‌دادند. آنان با حمایت از دانشمندان، محققان و ادیبان، عصر خویش، عرصه را برای رشد علمی

و فرهنگی شیعیان مهیا نمودند. امروزه در کتابخانه‌هایی که از آن دوران باقی مانده است، انبوهی از کتب علمی، دینی، فلسفی، دیوان‌های شعر، حکایت‌نامه‌ها موجود است که حاصل قرن‌ها تلاش علمی و فرهنگی علما، ادیبان، دانشمندان و هنرمندان شیعی مذهب است. اما متأسفانه در حال حاضر از آن شکوه و اقتدار فرهنگی چندان اثری در جامعه شیعیان هند باقی نمانده است. سطح عمومی علم و فرهنگ در جامعه شیعیان بسیار پایین آمده، به نحوی که ضعف فرهنگی به یکی از شاخصه‌های عمومی ایشان تبدیل شده است. کم سواد، فقر، بی-انگیزگی عمومی، اختلافات درونی، از یک سو و عدم تعامل دولت مرکزی هند و محدودیت‌های معنادر قانونی از سوی دیگر، باعث شده تا جامعه شیعی هند با چالش‌های فرهنگی جدی رو برو شود.

هم‌اینک ۳۸ کتابخانه خصوصی و عمومی مربوط به شیعیان در هند وجود دارد که از معروفترین آنها می‌توان از کتابخانه‌های «مولانا آزاد» (دانشگاه علیگره)، «مدرسه الواعظین» (لکنهو) و «حکیم محمد سعید»، «حکیم سید ظل‌الرحمن»، «درگاه پیر محمد شاه»، «درگاه عالیہ چشتیه» و ... نام برد. در این کتابخانه‌ها گنجینه‌های ارزشمندی از فرهنگ و اعتقادات شیعی وجود دارد که بهره‌گیری از آنها می‌تواند در تثبیت هویت فرهنگی شیعیان هند اثر بخش باشد. (خواجہ پیری، ۱۳۶۷، دهلی).

اما متأسفانه عدم وجود امکانات مناسب برای حفظ این گنجینه‌های فرهنگی از یک سو و عدم ارتباط فعالانه‌ی نسل جدید شیعی، با کتاب‌های کهن، از سویی دیگر، کارایی این کتابخانه‌ها را کاهش داده است. به ویژه آنکه با مهاجرت شدن زبان فارسی در جامعه مسلمان هند و رونق زبان اردو بین آنان، نسل جوان شیعی دچار نوعی گسست فرهنگی شده است زیرا بسیاری از گنجینه‌های فرهنگی و علمی شیعیان در قرون پیش به زبان پارسی بوده که متأسفانه نسل جوان توانایی بهره‌گیری از آنها را ندارد. تداوم این روند نوعی بحران هویت برای جوانان شیعی پدید آورده است. به طوری که اکثراً علاوه بر کم‌اطلاعی از معارف عمیق تشیع و تعالیم هدایت بخش اهل بیت(ع)، از پیشینه‌ی تاریخی تشیع و فلسفه وجودی خویش نیز تصور درستی ندارند. البته پیروزی جمهوری اسلامی در ایران به عنوان انقلاب بزرگ شیعی، بر این روند منفی، تأثیر گذارده است و با ایجاد نوعی اعتماد به نفس عمومی در شیعیان، آنان را به سوی خودباوری سوق داده است. (P.Akhtar Mehdi, 2011, Delhi)

در سال‌های اخیر برخی از اندیشمندان و بزرگان جامعه شیعه هند در تلاشند تا مراکز و مؤسسات فرهنگی - آموزشی مربوط به شیعیان را در جهت احیای هویت فرهنگی و مذهبی جامعه شیعیان هند، ساماندهی کنند. از معروفترین آنها می‌توان از مراکز آموزش «تنظیم

المکاتب» نام برد که در سراسر هند فعال هستند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

علاوه بر این در سال‌های اخیر «مرکز نورخانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران» در دهلی، در جهت حفظ و نگهداری گنجینه‌های علمی - فرهنگی شیعیان هند اقدامات مؤثری انجام داده

است. این مرکز علاوه بر کمک‌های فنی و مالی به برخی از کتابخانه‌های قدیمی شیعی، گاه با خرید کتب نفیس و کمیاب از آنها و یا با تهیه میکروفیلم از کتب ارزشمند، سعی دارد تا گنجینه‌های فرهنگی شیعیان را حفظ نماید. (خواجه پیری، ۱۳۶۷، دهلی)

شیعیان هند، هم اینک دارای شبکه‌ی تلویزیونی مستقل بنام «WIN» می‌باشند که مرکز آن در شهر بمبئی قرار دارد. اخیراً نیز در شهر لکنهو شبکه‌ی تلویزیونی جدیدی تأسیس نموده‌اند که ماهیت فرهنگی - مذهبی دارد و با حمایت‌های مالی جمعی از خیرین و زیر نظر اندیشمندان برجسته‌ی شیعه فعالیت می‌کند. این شبکه با هدف گسترش معارف اسلامی و آموزه‌های اهل بیت (ع) راه اندازی شده و در جهت خدمت به مکتب تشیع فعال می‌باشد. (ناصری، ۱۳۹۱، بمبئی)

- اماکن مذهبی شیعیان در هند

با تشکیل و تقویت جامعه‌ی شیعی در شبه قاره‌ی هند، به تدریج بناهای مذهبی و مراکز دینی آنان نیز در هند پدید آمد. احداث این بناها از قرن دهم هجری به بعد، در پی تأسیس حکومت‌های نسبتاً مقتدر شیعی در مناطقی از شبه قاره‌ی هند، رونق گرفت. این بناهای مذهبی به چند دسته قابل تفکیک هستند.

۱- «مساجد» که به عنوان مرکز دینی و عبادی مسلمانان، نقش مهمی در روند دینداری شیعیان ایفا می‌کنند. هر چند این مساجد به تعداد و گستردگی گذشته نیستند اما هنوز هم نقش تأثیرگذار خویش را دارند. از مهمترین این مساجد می‌توان از «مسجد جامع شیعیان لکنهو»، «مغول مسجد» (مسجد ایرانیان)، «مسجد جامع شهدای بدگام»، «مسجد مقال»، «مسجد چاتاپال»، «مسجد جامع شیعیان دهلی» و «مسجد آصف‌نگر حیدرآباد»، نام برد.

۲- «اماکن برگزاری مراسم»: این اماکن که از دیر باز محل برگزاری شعائر مذهبی و مراسم سوگواری امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) بوده‌اند، در مناطق مختلف به نام‌های مختلفی همچون «امام باره» (حسینیه)، «آستانه حسینی» و «عاشورا خانه» معروف هستند. تعداد این اماکن در گذشته قابل توجه بوده چنانکه تنها در منطقه‌ی لکنهو، پنجاه و نه حسینیه‌ی تاریخی باقی مانده است. هم اکنون نیز در مناطق شیعه‌نشین شبه قاره، اکثر این اماکن از رونق قابل توجهی برخوردار هستند که از معروف‌ترین آنها می‌توان از «حسینیه‌ی آصف الدوله» در شهر لکنهو، «حسینیه‌ی فتوت» و «حسینیه‌ی شوشتری‌ها» در بمبئی و حسینیه‌ی شهر «گرگهور پور»، نام برد.

۳- «زیارتگاه‌ها» که مکانی برای ابراز ارادت شیعیان به اهل بیت (ع) و علمای بزرگ تشیع می‌باشند؛ این مکان‌ها که در مناطق مختلف شیعه‌نشین پراکنده‌اند به نام‌های مختلفی مانند «قدمگاه»، «نظرگاه ائمه (ع)»، «درگاه» و «روضه»^۱ (شبه قبور ائمه) معروف هستند. علاوه بر این، مقابر شخصیت‌های بزرگ شیعی نظیر «نظام‌الدین اولیا» در دهلی، «خواجه معین‌الدین

چشتی» در «اجمیر»، «محمد گیسودراز» در «گلبرگه» و «قاضی نور الله شوشتری» در شهر «آگره» نیز از زیارتگاه های مهم شیعیان هستند. قرن هاست که این مکان های مقدس دینی به عنوان مرکز نشر و تبلیغ مذهب تشیع ایفای نقش کرده اند و در جوار آنها مجالس وعظ و نیایش همیشه برپا بوده و مردم مسلمان و حتی غیرمسلمان، در مجالس آن شرکت می نمایند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

شیعیان هند و شعائر مذهبی

یکی از عوامل فرهنگی مؤثر در انسجام جوامع شیعی در هند، برپایی شعائر مذهبی تشیع (اعیاد و بزرگداشت ها)، مخصوصاً مراسم سوگواری شهدای کربلا بوده است. این مراسم که به نام «عاشورای حسینی» معروف است از قرون ۹ هجری به بعد در جوامع شیعی هند مرسوم بوده و در دهی محرم هر سال، به مناسبت سالروز قیام عدالت خواهانه ی حسین بن علی (ع) (امام سوم شیعیان)، برپا می گردد.

هم اینک در شهرها و مناطق شیعه نشین مانند «کشمیر»، «کلکته»، «دهلی»، «احمدآباد»، «حیدر آباد ایالت دکن» (آندراپرادش)، «گجرات» و «بنگلور» در ایام محرم و صفر و ماه رمضان هر سال، مراسم مذهبی، با شکوه و نظمی چشمگیر در مراکز مذهبی شیعیان برپا می گردد. اما باشکوه ترین این مراسم در شهر لکنهو که به پایتخت تشیع هند معروف است، برگزار می گردد. عظمت و شکوه مراسم سوگواری حسینی در ایام محرم در این شهر وصف ناپذیر است. همچنین عزاداری در «درگاه عالییه نجف» در منطقه ی «جوگی رامپوره» ایالت اوتارپرادش (دکن) و در مسجد ایرانیان (مغول مسجد) شهر بمبئی، شهرت جهانی دارد. هزینه های نسبتاً گزاف برپایی اینگونه مراسم به عنوان خیرات و مبراترا شیعیان متمول هندی با میل و رغبت تقبل می کنند. (نماز، ۱۳۹۱ش، بمبئی) این مراسم روح حماسی را در جامعه ی شیعه زنده نگاه داشته و شاید یکی از عوامل مهم حفظ و تقویت روحیه ی اعتقادی و انسجام اجتماعی شیعه در هند امروزه بوده است. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

آموزش مذهبی و فقاقت در شیعیان هند

یکی از عوامل مهم حفظ هویت مذهبی شیعیان هند، سازمان علمی و فقهی نسبتاً غنی بوده است که علماء شیعه در قرون متمادی آن را پدید آورده و مدیریت نموده اند؛ این تشکیلات علمی - مذهبی که اصطلاحاً آن را «حوزه ی علمیه» می نامند. بستری برای ظهور علمایی برجسته و مبلغان فعال شیعی در تاریخ بوده است. علمایی مانند «علامه سید دلداری علی نقوی» (ت ۱۱۶۶ق) و فرزندان ایشان و همچنین مفتی «سید محمد قلی موسوی» (ت ۱۱۸۸ق)، «میر سراج حسین» (ت ۱۲۳۸ق) و «میر حامد حسین موسوی» (۱۲۴۶ق) و ... که هر یک در رشد و اشاعه ی فرهنگ تشیع در هند نقش مهمی داشته اند. (Rizvi, 1986: Vol II, p.164)

امروزه نیز شیعیان هند از برکت حضور علماء بزرگ و فعالیت حوزه‌های علمیه برخوردارند و در دینداری خویش به آنها تأسی می‌نمایند. لیکن به دلایل متعددی این عرصه کم رونق شده است و انسجام گذشته را ندارد. علماء برجسته به نسبت جمعیت شیعیان اندک هستند، اختلافات سلیقه‌ای و ضعف علمی و اخلاقی، توأم با ضعف مالی، این سازمان علمی را تا حدی فرتوت و تضعیف کرده است، به گونه‌ای که جامعه‌ی چند ده میلیونی شیعیان هند را محتاج متابعت و تقلید از مراجع تقلید قم و نجف کرده است. (جعفری، ۱۳۹۱، بمبئی)

هم اکنون بیش از ۴۴۰ حوزه علمیه شیعی در هند به صورت فعال، تربیت طلاب اسلامی و مبلغین شیعی را به عهده دارند. (دفتر امور مدارس دینی، ۱۳۸۳)، مدیران این مدارس هر سال از میان داوطلبان جوان شیعی، تعدادی را به عنوان طلاب علوم اسلامی گزینش می‌نمایند تا با فراگیری علوم صرف و نحو عربی، منطق، تاریخ اسلام، علوم قرآنی و سنت و احادیث، دوره‌ی پیشرفته‌ای از تعلیمات دینی را گذرانده، تا برای تبلیغ و اشاعه‌ی تشیع در جامعه‌ی شیعیان و حتی غیر شیعه، مهیا شوند. این طلاب پس از موفقیت در مراحل تحصیل و تربیت اخلاقی، طی مراسمی به نام «عمامه گذاری»، با اخذ نوعی لباس مذهبی، فارغ التحصیل شده و به عنوان مبلغ در مراکز مذهبی به وعظ و ارشاد مردم می‌پردازند. این گروه همچنین به عنوان «حجت اسلام» وظیفه دارند تا در مقابل مخالفان، از ارکان اسلام و اعتقادات تشیع دفاع کرده و به شبهات و اشکالات مطرح شده پاسخ مناسب دهند.

وظیفه‌ی دیگر این مدارس تبیین دین اسلام و فرهنگ تشیع در جامعه است. بدین معنا که در این مدارس، علمای محقق که اصطلاحاً «مجتهد» نامیده می‌شوند، در تلاش هستند تا با بهره‌مندی از تخصص خویش در علوم قرآنی، سنت نبوی و احادیث اهل بیت (ع)، برداشت قطعی از اسلام واقعی داشته و آن را در قالب فتاوی شرعی به مردم ارائه دهند. (سید کباری، ۱۳۷۸: ۶۸۱)

به دلیل پراکندگی شیعیان در هند، حوزه‌های علمیه‌ی شیعی در سطح شبه قاره گسترده‌اند، چنانکه از بین آنها می‌توان از مدارس علمیه شهرهای «أمروه»، شهر «پتنه»، مدرسه‌ی اسلامی «الایمانیه» و «الجامعة الجوادیه» شهر «بنارس»، مدارس اسلامی شهرهای «فیض آباد»، «میرت»، «نوکانون» و ... نام برد. (ناصری، ۱۳۹۱، بمبئی). البته شهر «لکنهو» که پایتخت حکومت «سلاطین شیعی اوده» بوده، در این بین وضعیت شاخصی دارد. این شهر تقریباً از سه قرن پیش تا حال به عنوان بزرگ‌ترین مرکز علوم دینی شیعیان هند بوده است. چنانکه (به صورت غیررسمی) همانند شهر «قم» در ایران و «نجف» در عراق، مرکز سازمان فقه‌تشیعی در هند محسوب می‌شود. (خواجه پیری، ۱۳۶۷) سلاطین و علمای حکومت اوده به منظور آگاه کردن مسلمانان با علوم اسلامی و علوم روز، مدارس علمیه‌ی اسلامی متعددی در این شهر تأسیس کرده بودند که برخی از آنها پس از چند قرن، همچنان فعال هستند. از بین این مدارس می‌توان به «الجامعة السطانیه» (دانشگاه سلطانیه) و «مدرسة الواعظین»، «المدرسة الناطمیه»

اشاره نمود که به دست «علامه سید ابوالحسن» در زمان پادشاهی «محمد علی شاه اوده» (حک ۱۲۵۳-۱۲۵۸ق) تأسیس شده است. (سید کباری، ۱۳۷۸: ۶۸۲)

اکثر این مدارس در گذشته دارای موقوفات قابل توجهی بوده‌اند که هم اکنون به دلایل متعددی از اکثر آنها محروم شده‌اند. تنها بخش محدودی از این موقوفات باقی مانده است که درآمد ناچیز حاصل از آنها به صورت حقوق به اساتید پرداخت می‌شود. لذا اکثر حوزه‌ها به نوعی به کمک‌های مردمی یا دولتی وابسته شده‌اند. مدرسین و مدیران حوزه‌ها به دلیل ناچیز بودن دستمزدهای تدریس، به خطابه و وعظ بیشتر اشتغال دارند و کمتر به تدریس بها می‌دهند. بدین سبب سطح درسی اکثر حوزه‌ها نسبتاً پایین است و روش تحصیل و تدریس مطابق زمان پیشرفت نکرده است. (ناصری، ۱۳۹۱، بمبئی).

البته از سال‌ها قبل، طلاب شیعی هند برای تحصیل علوم دینی به شهرهای نجف و کربلا هجرت می‌کردند تا از دانش اساتید مجرب و بنام حوزه‌های آن دیار بهرمنند شوند. اما روند این هجرت در سال‌های اخیر به سوی ایران و حوزه‌های علمیه‌ی شهرهای «قم» و «مشهد»، تغییر یافته چنانکه هم اکنون عده‌ی زیادی از طلاب هندی در ایران مشغول به تحصیل علوم دینی هستند. علاوه بر این، بیش از سه دهه است که حوزه‌ی علمیه‌ی قم و نجف و فقهای برجسته‌ی ایران و عراق تلاش جدید را در روند تقویت مدارس دینی (حوزه‌های علمیه) شیعی در هند آغاز کرده‌اند. آنان با بهره‌گیری از تشکیلاتی مانند «جامعه‌المصطفی» که مرکز آن در «قم» است به سازماندهی ساختاری و محتوایی تشکیلات مذهبی شیعیان هند کمک می‌کنند تا روند تربیت مبلغان و واعظان مذهبی آنان سامان یابد.^۱ (مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۸۵، ص ۴-۵)

در همین راستا مراکز فرهنگی جدیدی در جهت بازسازی فرهنگ شیعی در هند تأسیس و فعال شده‌اند که ماهیتی نیمه‌حوزوی دارند؛ مراکزی همچون «بنیاد امام حسین (ع)»، «کمیته‌ی امداد العباسی»، «کمیته‌ی یاد بود امام خمینی»، «اداره‌ی ابوالفضل عباس»، «شیعه کالج» و ... (ناصری، ۱۳۹۱، بمبئی).

شیعیان هند و آموزش عمومی

اغلب فرزندان شیعیان در هند در صورت تمکن، مانند دیگر مردم در مدارس دولتی مشغول تحصیل می‌شوند. اما مدرسی نیز وجود دارد که ماهیت مذهبی‌شان بیشتر است. این مدارس وابسته به سازمان فرهنگی «تنظیم المکاتب» هستند که حدود ۷۰ سال قبل توسط «مرحوم سید غلام عسگری»، رهبر «نهضت دینداری»، تأسیس شده است. کودکان شیعی در این مدارس ضمن سوادآموزی تا حد کلاس پنجم ابتدایی، برای ورود به حوزه‌های علمیه آموزش می‌بینند. هم اکنون طبق آخرین آمار، در سراسر هند بیش از ۹۰۰ مدرسه، تنظیم المکاتب فعالیت می‌کند که در آنها مجموعاً ۱۵۰۰ معلم و ۴۰۰۰۰ دانش‌آموز مشغول تحصیل هستند.

اخیراً آموزش علوم جدید نیز در برنامه‌ی کاری تنظیم‌المکاتب قرار گرفته است. هم‌اکنون ۳۰ مدرسه‌ی جدید، با حدود ۱۵۰ معلم و ۵۰۰۰ شاگرد در زمینه‌ی آموزش علوم جدید فعالند. اما به دلیل هزینه‌ی تحصیلی نسبتاً بالای مدارس جدید، استقبال شایانی از آن به عمل نیامده است. البته اخیراً در این خصوص چاره‌اندیشی‌هایی صورت گرفته است تا با همیاری برخی مراکز فرهنگی شیعی، موانع آموزشی و اقتصادی این مدارس حل شده و زمینه‌ی بهره‌مندی کودکان شیعی از آنها تسهیل گردد. صاحب نظران شیعی امیدوارند تا این مدارس تأثیر چشم‌گیری در تربیت نسل جوان شیعیان هند داشته باشند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

اما در سطوح بالاتر آموزش‌های غیر دینی، جامعه‌ی کنونی شیعیان تحت تأثیر نظام آموزشی حاکم بر هند، هر چند برخی از دانشگاه‌ها به مسلمانان منتسب است اما هم در ساختار آموزشی و هم در تشکیلات اداری هویتی غیر مذهبی دارند. از این گونه کالج‌ها و دانشگاه‌ها در شهرهای مسلمان‌نشین مانند حیدرآباد، لکنهو، بنارس، دهلی و ... وجود دارد که در این مقاله مجالی برای معرفی همه‌ی آنها نیست. معروفترین این دانشگاه‌ها «جامع همدرد» در دهلی و دانشگاه «علیگر» در شهر علیگره است که توسط مسلمانان تأسیس شده است. برای مثال دانشگاه «علیگره» که در سال ۱۸۷۵ میلادی توسط «سید احمد خان» (۱۸۹۷-۱۸۱۷م)، در شهر شیعه‌نشین «علیگره» تأسیس گردید ابتدا با عنوان «کالج شرقی مسلمانان» که به مدرسه «العلوم» معروف شد فعالیت خود را آغاز کرد (S.Naghavi, 2011, Aligar)

اما این مدرسه که به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های علمی مسلمانان و شیعیان تدارک دیده شده بود، به مرور توسعه یافت تا در سال ۱۹۲۰ میلادی به «دانشگاه اسلامی علیگر» تبدیل شد. این دانشگاه در رشته‌های متعدد علوم، دارای دانشکده بوده که سطح علمی اکثر آنها، مطلوب است. هم‌اکنون تعداد زیادی از دانشجویان هندی و غیرهندی (از کشورهای دیگر جهان) در رشته‌های پزشکی، مهندسی و سایر رشته‌های علوم در آن مشغول تحصیل هستند. (Directory university Aligar2006)

البته به نظر می‌رسد بین دانشجویان شیعه، علاقه‌ی بیشتری به رشته‌های بازرگانی و علوم انسانی وجود دارد. چنانکه بر حسب اطلاع، در این دانشگاه و حتی «کالج لکنهو» شیعیان بیشتر در رشته‌های علوم انسانی به تحصی اشتغال دارند. این امر شاید به دلیل مبارزه‌ی منفی بوده است که سال‌ها در بین مسلمانان علی‌انگلیسی‌ها وجود داشته است، لذا مسلمانان و شیعیان از آموزش علوم جدید نسبتاً دور مانده‌اند. (S.Naghavi, 2011, Aligar)

ایران و شیعیان هند

شواهد تاریخی گویای آن است که دو ملت ایران و هند از قرن‌ها پیش، دارای روابط نزدیک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. حکومت‌های شیعی ایران از قرن دهم هجری حامی بزرگ شیعیان هند بوده‌اند و حتی شاید پدید آمدن حکومت‌های مقتدر شیعه‌ی هند در قرون

۱۰ الی ۱۲ هجری همگی نتیجه همین حمایت جدی باشد. این روابط هر چند در دوران استعماری انگلیسی، تضعیف شد اما روابط مردمی بین این دو سرزمین کم و بیش وجود داشت. چنانکه حتی تا صد سال قبل نیز مهاجرت‌های گروهی ایرانیان به مناطق جنوب غرب هند ادامه داشت.

در دوره‌ی پهلوی به دلایل سیاسی روابط مذهبی پر رونقی بین ایران و هند وجود نداشت. با این وجود به همت برخی از پارسیان هند (زرتشتیان ایرانی که در قرن دوم هجری به بعد به هند کوچ کردند) در سال ۱۳۳۵ خانه‌ی فرهنگ ایران به عنوان اولین خانه‌ی فرهنگ جهان، در بمبئی تأسیس و شروع به فعالیت نمود. اما پس از انقلاب اسلامی ایران و آرمانگرایی امام خمینی (ره) و بروز احساسات مثبت شیعیان هند به ایشان و انقلاب ایران، کشش مطلوبی در هر دو طرف پدید آمد. چنانکه به جرأت می‌توان گفت که مردم ایران در قلب شیعیان هند جای دارند و اگر موانع دولتی وجود نداشت امروزه شاهد یک پیوند جدی معنوی بین دو جامعه‌ی بزرگ شیعیان هند و ایران بودیم.

ایران ریزنی فرهنگی فعالی در هند دارد و خانه‌ی فرهنگ آن در دهلی از ارتباط فرهنگی نسبتاً خوبی برخوردار است. نماینده‌ی دفتر مقام معظم رهبری در هند با مدارس دینی و بزرگان مذهبی شیعیان رابطه‌ی مطلوبی دارد. حوزه‌ی علمیه‌ی قم با استعانت از ظرفیت دانشگاه دینی جامعه‌ی المصطفی، با حوزه‌های هند ارتباط داشته و حتی المقدور آنها را یاری می‌کند. هم اکنون بیش از ۳۰۰ مبلغ مُجرب تحت برنامه‌ی جامعه‌ی المصطفی در هند مستقر هستند. (نجفی، ۱۳۹۰، دهلی)

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان گردید می‌توان دریافت که شیعیان هند همچنان یکی از بزرگ‌ترین جوامع شیعی در جهان هستند که در تمام سرزمین پهناور هند پراکنده‌اند. آنان دارای فرقه‌ها و نژادهای مختلفی هستند اما اکثریتشان را شیعیان اثنی‌عشری تشکیل می‌دهند که کانون اصلی فعالیت آنان شهر لکنهو، مرکز ایالت اوتارپرادش است. فشارهای سیاسی - اقتصادی دو قرن گذشته، باعث شده تا فقر عمومی بر جامعه‌ی شیعیان سایه اندازد و ضعف فرهنگی به یکی از شاخصه‌های عمومی ایشان تبدیل شود.

کم‌سواد، فقر، بی‌انگیزگی عمومی، اختلافات درونی، از یک سو و عدم تعامل دولت لائیک هند و محدودیت‌های معنادر قانونی از سوی دیگر، باعث شده تا جامعه‌ی شیعی هند با چالش‌های فرهنگی جدی رو برو شود؛ به ویژه آنکه با مهجور شدن زبان فارسی که زبان شیعیان بوده و رونق زبان اردو و هندی بین نسل جوان شیعی، امکان استفاده از منابع و گنجینه‌های فرهنگی - علمی شیعی (که غالباً به زبان فارسی هستند) برای آنان امکان پذیر نیست، بدین سبب نوعی گسست فرهنگی در بین نسل‌های شیعی پدید آمده است. البته برخی

اندیشمندان شیعی با تأسیس و فعال سازی مدارس و سازمان‌های فرهنگی خاص شیعیان، تلاش دارند تا فرهنگ شیعی را در نسل جوان خود بازسازی کنند.

شیعیان هند قرن‌ها از سازمان فقاهتی نسبتاً قوی برخوردار بوده‌اند، هر چند این عرصه به دلایل متعددی ضعیف شده است اما هنوز هم شیعیان از برکت علمای بزرگ و فعالیت حوزه‌های علمیه شیعی بهره‌مندند و در دینداری خویش به آنها تاسی می‌نمایند. فعالیت علما و اهتمام متمولین به خیرات، شعائر مذهبی خصوصاً برگزاری مراسم سوگواری حسینی را همچنان پررونق نموده است، لذا اماکن مذهبی شیعی اعم از مساجد، حسینیه‌ها و زیارتگاه‌ها، نسبتاً فعالند.

به دلایل متعددی شیعیان در عرصه سیاسی هند از جایگاه مطلوبی برخوردار نیستند، هر چند در سال‌های اخیر با درک اهمیت و تأثیر رأی خود در انتخابات عمومی هند، انگیزه‌های تازه‌ای برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یافته‌اند و با تأسیس احزاب و انجمن‌هایی تلاش می‌کنند تا در این عرصه اظهار وجودی کنند.

البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان هند با احساس مثبت به سوی نوعی خودباوری حرکت می‌کنند. به ویژه آنکه تعداد قابل توجهی از شیعیان هند، ایرانی نژادهایی هستند که اجدادشان در طی قرن‌های گذشته از ایران به هند مهاجرت کرده‌اند. این احساس مثبت در سال‌های اخیر اندیشمندان و بزرگان جامعه شیعی هند را ترغیب کرده تا در جهت تقویت انسجام اجتماعی شیعیان، به فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی قابل توجهی همچون تأسیس احزاب سیاسی، ساماندهی مراسم مذهبی، تقویت حوزه‌های علمیه، بازسازی و احیای مراکز و اماکن مذهبی، تأسیس تلویزیون و صدها سایت آموزش- تبلیغی شیعی و ...، بپردازند. لذا به نظر می‌رسد که اگر تعصبات مذهبی و فشارهای سیاسی، روند مثبت موجود را تخریب نکند، آینده فرهنگی روشن و امیدوارکننده‌ای برای شیعیان در هند قابل پیش بینی است.

یادداشت‌ها

۱- در این مقاله شیعه به معنای عام آن و در مقابل اهل سنت منظور است و شامل همه‌ی گروه‌ها و فرقه‌های شیعه در هند می‌شود. اما به دلیل اکثریت غالب شیعیان اثنی‌عشری در موارد متعددی به بیان شرایط حاکم بر ایشان پرداخته می‌شود.

۲- شاهد مثال این امر، ماجرای محمد بن عبدالله (اشتر) در سند (۱۵۰ هجری) است که با فعالیت تبلیغی خویش توانست به تدریج خانواده والی، فرماندهان مسلمان و اکثر بزرگان سند را به بیعت خویش در آورد و آنها را به مذهب تشیع در آورد (رک ابن اثیر، الکامل التواریخ، ج ۵ : ۲۲۰)؛ علاوه بر این گزارشات دیگری نیز بر وجود حب اهل بیت (ع) در مردم بومی و مهاجرین به این سرزمین در آن زمان تأکید دارد از جمله نامه‌ای است که یکی از حاکمان محلی هندی سند برای امام صادق (ع) نگاشت و ضمن ارسال هدایایی اذعان داشت که به

وسيله‌ی محمد بن عبدالله اشتر به آيين تشيع هدايت شده است (ر.ک: ابن شهر آشوب، المناقب، احوال امام صادق، باب «ايتانه بخوارق العاده»)

۳- از آنجا که خلفای عباسی سنی مذهب بودند، غزنویان و پس از آنها خلجیان برای برخورداری از مقبولیت اجتماعی و کسب مشروعیت سیاسی از سوی خلیفه، مذهب اهل سنت را مذهب رسمی حکومت خویش اعلام نمودند. البته ذکر شده که علت اصلی گرایش مذهبی به مکتب حنفی آن بوده است که در بین اهل سنت، تنها فقه حنفی، گرفتن «جزیه» (مالیات اسلامی از اهل کتاب) را از کافر محض جایز می‌داند و این امر برای استمرار حکومت مسلمانان در هندوستان که بومیان آن عمدتاً کافر محض بودند، ضروری می‌نمود.

۴- به گزارش «شیعه نیوز» بر اساس جدیدترین بررسی‌های انجام شده ادعا گردیده که کشور هندوستان با داشتن ۸۴ میلیون شیعه، کشوری است که بیشترین پیرو مذهب شیعه اثنی عشری را در خود جای داده است.

۵- پس از مرگ «المستنصر»، هشتمین خلیفه‌ی فاطمی (امام اسماعیلی)، اختلافی بین اسماعیلیان بروز نمود؛ زیرا گروهی از آنان، «نزار» پسر بزرگ و گروه دیگر، «مستعلی» فرزند کوچک وی را رهبر اسماعیلیه‌ها دانستند. این امر سبب بروز درگیری سختی بین دو برادر شد و به انشعاب اسماعیلیه‌ها انجامید؛ پیروان نزار نسل آغاخانیه‌های فعلی را تشکیل دادند و پیروان مستعلی به «مستعلیون» معروف شدند که باقیمانده‌ی آنان امروزه به «بُهره» موسوم‌اند.

۶- امروزه جماعات و فدراسیون‌های جهانی شیعیان خوجه اثنی عشری در نقاط مختلف دنیا مانند بمبئی، پاکستان، کراچی، حیدرآباد، عدن، دبی، تانزانیا، دارالسلام، زنگبار، مومباسا، کنیا، اوگاندا، سومالی، زئیر، ماداگاسکار، جزیره موریس، بروندي، ریونیون، آفریقای جنوبی، انگلستان، آمریکا، کانادا و استرالیا برقرار است و آنان با ارائه فعالیت‌های مختلف دینی و فرهنگی در اشاعه‌ی فرهنگ تشیع و مذهب اهل بیت نقش موثر دارند.

۷- برای مثال پس از استقلال هند، هنگامی که «عثمان علی خان» آخرین حاکم حیدرآباد خواستار پیوستن به پاکستان شد، با برخورد نظامی دولت مرکزی وقت هند، روبرو گردید و در پی آن حیدرآباد و دکن به خاک هند افزوده و نام آن به «آندراپرادش» تغییر یافت. (کنسولگری ایران، «حیدرآباد در یک نگاه») سپس به منظور تغییر بافت اجتماعی آن منطقه، دولت زمینه مهاجرت هندوها را از سایر مناطق به حیدرآباد فراهم آورد و مناصب سیاسی- اجتماعی را از مسلمانان گرفت، این روند با توسعه یافتن تبلیغات مسیحیت در منطقه و غربی‌سازی سیمای شهر، همراه گردید تا این که هم‌اینک شیعیان با وجود اکثریت جمعیت در این منطقه، از لحاظ سیاسی در اقلیت قرار گرفته‌اند.

۸- بیش از یکصد سال قبل در استان فارس ایران، خشکسالی و قحطی بزرگی رخ می‌دهد که باعث گردید علاوه بر ایرانی تبارانی که در طول قرن‌ها پیش به جنوب غربی هند مهاجرت

نمودند، ایرانیان زیادی به بمبئی و نواحی ساحلی جنوب غرب هند هجرت کرده و در آنجا ساکن شوند. (به نقل از علی نمازی از هیئت امنای مسجد ایرانیان در بمبئی)

۹- در دوران حکومت سلاطین اوده، از آن جهت که برای عموم مردم، سفر به عراق و ایران برای زیارت بارگاه ائمه اطهار(ع)، بسیار دشوار بود، در شهر لکنهو بناهای متعددی شبیه بارگاه‌های ائمه اطهار(ع)، با همان عظمت و شکل واقعی ساخته شد. از جمله این بناها می‌توان از «روضه امام علی (ع)»، «روضه امام حسین (ع)»، «روضه امام رضا (ع)»، «روضه عسگرین(ع)» نام برد که هم اکنون در لکنهو موجود است.

۱۰- در سال ۱۳۷۰ به دستور مقام معظم رهبری در شهر قم، تشکیلاتی به نام «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» تأسیس شد که وظیفه‌ی آن تأسیس حوزه و مدارس علمیه و نیز حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از حوزه‌های موجود در خارج از ایران بود. این سازمان در بیش از ۴۵ کشور جهان از جمله در هند دفتر داشت تا اینکه به فرمان مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۸۶ با ادغام دو سازمان «امور مدارس علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی»، تشکیلات معظمی به نام «جامعه المصطفی العالمیه» تشکیل شد که با شیوه‌ای جدید به وظایف سازمان‌های قبلی می‌پردازد.

کتاب‌نامه

الف- منابع فارسی

- ۱- ابن اثیر، ابن حزم، (۱۹۸۲م)، جمهوری انساب العرب، قاهره، چاپ عبدالسلام محمد هارون،
- ۲- بلاذری، احمد بن یحیی، (بی تا)، انساب الاشراف، بغداد، مکتبه المثنی، جلد ۵
- ۳- بیهقی، محمدبن عبدالله حاکم نیشابوری، (۱۳۷۵ش)، تاریخ نیشابور، ترجمه‌ی محمدبن حسین خلیفه‌ی نیشابوری، تهران، محمدرضا شفیعی کدکنی،
- ۴- جزوه‌ی آشنایی با سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم، انتشار سازمان مدارس خارج از کشور، ۱۳۸۵ش
- ۵- جعفری، حسین محمد، (۱۳۶۴ش)، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه‌ی محمدتقی آیت اللهی، قم، نشر فرهنگ اسلامی،
- ۶- جلالی نائینی، سید محمد رضا، (۱۳۷۵ش)، هند در یک نگاه، تهران، انتشارات شیرازه،
- ۷- جوزجانی، منہاج سراج، (۱۳۶۳ش) طبقات ناصری (تاریخ ایران و اسلام)، تصحیح عبدالحی حبیبی، کابل، بی نام
- ۸- چند، تارا، (۱۳۴۷ش) تاثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه‌ی علی پیرنیا، عزالدین عثمانی، تهران، انتشارات پاژنگ،
- ۹- الحسن، مشیر، (۱۳۷۶ش)، جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در هند، ترجمه‌ی حسن لاهوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی،

- ۱۰- حیدر حسین، کمالدین، (۱۸۹۶ش)، سوانحات سلاطین اوده، لکنهو، ناشر نویسنده،
- ۱۱- خلیلی، خلیل الله، (۱۹۶۸م) سلطنت غزنویان، کابل، ناشر خلیلی،
- ۱۲- خواجه پیری، مهدی، (بهار و تابستان ۱۳۶۷ش)، «کتابخانه‌های لکنهو»، مشکوة، شماره‌ی ۱۸-۱۹،
- ۱۳- روغنی، زهرا، (۱۳۸۸ش)، شیعیان خوجه در آئینه تاریخ، تهران، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
- ۱۴- سالنامه‌ی رسمی هند ۱۹۵۹ میلادی، نشریه وزارت اطلاعات هند
- ۱۵- سایت کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در حیدر آباد
<http://www.iranconslotehyd.org>
- ۱۶- سایت مرکز نور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی، دهلی
www.noormicrofilmindia.com
- ۱۷- سلیمی، مینو، (۱۳۷۲ش)، روابط فرهنگی ایران و هند، تهران، وزارت امور خارجه،
- ۱۸- سید سبط الحسن، (۱۹۷۹م)، تذکره‌ی ماجد، لکنهو، ناشر ناشناس،
- ۱۹- سید کباری، سید علیرضا، (۱۳۷۸ش) حوزه‌های علمیه شیعه در گستره‌ی جهان، تهران، انتشارات امیر کبیر،
- ۲۰- شبیبی، کامل مصطفی، (۱۳۵۹ش)، تشیع و تصوف تا آغاز سده‌ی دوازدهم هجری؛ ، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر،
- ۲۱- علیزاده موسوی، سید مهدی، (تابستان ۱۳۹۰ش)، «روابط اهل سنت شبه قاره با شیعه در حوزه سیاست و اندیشه»، فصلنامه‌ی امامت پژوهی - شماره‌ی دوم،
- ۲۲- گزارش سید حسین زرهانی عضوگروه جامعه و سیاست سایت تبیان از حیدر آباد (۲۰۰۹م) درج در سایت تبیان : http://www.tebyan.net/politics_social
- ۲۳- گزارشات دفتر امور مدارس دینی، خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی سال ۱۳۸۳ش
- ۲۴- مصاحبه با آقای «حسن خانی» مسئول خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بمبئی در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۵ش
- ۲۵- مصاحبه با آقای «علی نمازی» مدیر اجرایی مسجد ایرانیان بمبئی در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۰ش
- ۲۶- مصاحبه با آقای «کریم نجفی برزگر» رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸ش
- ۲۷- مصاحبه با حجت الاسلام «شیر محمد جعفری» مسئول مذهبی انجمن فتوت بمبئی در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۳ش

۲۸- مصاحبه با حجت الاسلام «محسن ناصری» امام جماعت «مغول مسجد» (مسجد ایرانیان) در بمبئی و کارشناس بومی خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بمبئی در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۴ش

۲۹- مظفر، محمدحسین، (۱۳۷۵ش)، تاریخ شیعه، ترجمه‌ی سید محمد باقر حجتی، چاپ سوم تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۰- مقدسی، محمد، (۱۹۰۶م)، احسن التقاسیم، لندن، ناشر ناشناس،

۳۱- هندی (استرآبادی)، محمد قاسم، (معروف به فرشته)، تاریخ فرشته، حیدرآباد، ۱۹۸۶م

۳۲- وب سایت دوستداران ایران در هند : <http://iranianindia.blogfa.com>

۳۳- وب سایت شیعه نیوز : <http://shianews.blogfa.com>

ب- منابع انگلیسی

34- Aziz Ahmad (born 11 Nov 1914, Hyderabad, India; died 16 Dec 1978, Toronto, Studies in Islamic Culture in the Indian Environment (1964).

35- Census of India Ed .Retrieved on 22 November, (2007).

36- Directory Aligar City, India, (2006).

37- Hamdard Community, New Delhi, (2007).

38- India – Iran relations: Converging Interests or Drifting Equations". Institute for Defence Studies and Analyses. Retrieved 2010-08-21.

39- Rizvi, Saiyid Athar Abbas, (1986), A Socio -Intellectual History of Shi'is in India, New Delhi.

40- Saiyid Athar Abbas Rizvi, (1986), A Socio-intellectual History of the Isnā Asharī Shī'ais in India.

41- The interview with Prof. Akhtar Mehdi, den of Asian Studies GNU, Delhi, India 10/04/2011.

42- The interview with Prof. Moulana S. Ali Mohamad Naghavi, Shiite Doctrine Department den of Aligar University, 20/04/2011